روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR
پنجشنبه ۲۷ آبان ۱۳۹۵ ■ ۱۷ صفر ۱۴۳۸ ■ ۱۷ نوامبر ۲۰۱۶ ■ سال نهم ■ شماره ۲۰۳۱ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان
■ ۱۱۷۷ سال و ۳۳۳ روز گذشت
VATAN-E-EMROOZ ■ VoL.09 ■ No.2031 ■ Thu.Nov.17, 2016 ■ ISSN:2008-2886

اورژانس تهران از افزایش ۱۵ درصدی بیماران تنفسی در روزهای گذشته خبر داد

پایتخت همچنان در آلودگی!

■ تهران در انتظار باد و باران

صفحه ۴

گفت‌وگو با «الکساندر آزادگان» درباره دلایل ناکامی هالیوود و رسانه‌های آمریکایی در انتخابات اخیر

ترامپ یک‌زندگی هالیوودی دارد

صفحه ۱۳

رهبر انقلاب در دیدار هزاران نفر از مردم استان اصفهان با اشاره به نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات‌متحده:

هر دو حزب آمریکا «شر» هستند

صفحه ۲

عکس: Leader.ir

تیترهای امروز

مجلس نمایندگان آمریکا با ۴۱۹ رأی موافق و یک رأی مخالف قانون تحریم‌های ISA علیه ایران را برای ۱۰ سال دیگر تمدید کرد

برجام لگدمال شد

■ دبیر شورایعالی امنیت ملی: تمدید تحریم ISA به منزله لگد زدن به برجام است
■ بسته اقدامات فنی پیش‌بینی شده به عنوان پاسخ به سرعت اعمال می‌شود

صفحه ۲

آمارهای دولتی بیکاری هم نگران‌کننده است

نرخ بیکاری در ۲۴ استان کشور ۲ رقمی است

صفحه ۱۶

در آستانه اربعین حسینی و با نوای وحدت در سایه اهل بیت(ع)

علمای اهل‌سنت گلستان عازم کربلا

■ رئیس سازمان حج و زیارت: زائران مرز شلمچه را انتخاب کنند

صفحات ۴و۵

یادداشت اربعین

خیمه خورشید کجاست؟

■ حسین قدیانی

راهپیمایی اربعین، تفسیر «ما رایت الا جمیلا»ی زینب است! زیباتر از این تصویر، دیگر چه می‌خواهی؟! این راه، حتم دارم که ختم می‌شود به رهایی! تو اگر شیدای خورشیدی،

شتاب کن که مقصد این نور، ظهور است! برخیز! «برخیز ای چاووش شهر عشق برخیز!/ غسل زیارت کن ز نهر عشق برخیز!/ بربند محمل را و برپا کن علم را!/ آواز ده، آواز عشاق حرم را!/ هر سر که پیمان بلا دارد بیاید!/ هر کس هوای کربلا دارد بیاید!» دوست داری «آدم» و «حوا» را ببینی؟ نگاهت را از این مسیر میسر جدا نکن! همه هستند؛ همه آنها که باید باشند! فقط که قصه «جابر» نیست! گوش کن! این همان «توحه نوح» است؛ «باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین/ بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است». پیامبر کشتی‌نشین، خود ساکن سفینةالنجات حسین است! و چشم اگر بگشایی «براهیم» را هم می‌بینی! و «هاجر» را! که دیگر تشنه نیست! اینجا سراسر «گلستان» است! نه خبری از «آتش» است و نه مجالی برای «عطش»! راحت بنوش از زمزم عشق، حضرت اسماعیل! «صفا» اینجاست! و «مروه» هم! اینجا جان می‌دهد برای «سعی»! برای هروله! و برای آنکه «موسی» سینای درون خود را بیابد! اینجا مقدس‌ترین وادی زمین است! فاخلع نعلیک! اینجا فقط «خدا» پرستیده می‌شود! اینجا قطعه‌ای از آسمان است! بهترین جای عرش! و چشم اگر باز کنی، «عیسی» را هم خواهی یافت! و «یحیی» را! یحیی را که در سر، سودای حسین می‌پروراند! اینجا «یعقوب» دگربار «یوسف» را می‌بیند! نه آن نبی که فقط «عزیز مصر» بود! اینجا کنعانیان، «عزیز خدا» را می‌بینند! سیدالشهدا را! وارث آدم را! همان که از «محمد» است! و «محمد» از او! «حسین» را همه می‌شناسند! و عاشورایش، آشناست برای ابنای آدم! اینجا «داوود» خوش دارد برای کربلا بخواند! با همان لهجه توحیدی! ما جز زیبایی، اینجا صدایی نمی‌شنویم! اینجا مترجم نیاز ندارد! همه زبان هم را می‌فهمند! جابر! آهسته قدم بردار! بگذار خوب نگاهت کنیم! اربعین، رزق ما نشد اما سلام بر اربعینیان را که می‌توانیم! حسین‌جان! دنیا و آخرت ما تویی! و توافق ما با خون تو، عهدی است که در آسمان بسته شده! همان آسمان خون علی‌اصغر! کدخداپرستان می‌خواستند حتی از عاشورای تو «درس مذاکره» بسازند لیکن با کنگره هل من مبارز اربعین، پاسخشان را دادیم! بنا داشتند عاشورای تو کمرنگ شود؛ نمی‌دانستند تازه، اربعین در راه است! بزرگ‌ترین اجتماع بشریت! حسین‌جان! چه خوب فرماندهی می‌کنی بر قلب آدم! دوست داریم حکومتت را! راه تو، تنها راه رهایی است! رهایی از چاه غیبت! کاش به علمدارت بگویی دست ما را بگیرد! چند شب پیش، ماهی که «بدر» شده بود، چه دستی گرفت از دل ما! چه صحنه زیبایی! غریبانه خواندیم؛ هر آنچه از «عباس» روضه بلد بودیم! سقای سپاهت را می‌گوییم... بهتر بگویم؛ برادرت را... آری! برادرت را که وقتی رفت، فریاد زدی: «الان انکسر ظهری!» حسین‌جان! نقل «الان» نیست! سالیان درازی است زندگی بی‌مهدی، کمر ما را شکسته! نخواستیم این زمان بی‌صاحب‌الزمان را!! از ما، که برای خون تو «منتقم» در نمی‌آید! از این پاییز لعنتی، که برای فصل‌ها «پادشاه» درنمی‌آید! کاش تو برای ظهور دعا کنی! که وارث آدمی! اربعین، «خیمه خورشید» کجاست؟!

ادامه در صفحه ۵

روزنه

چگونه صحنه انتخابات غیرمبتذل می‌شود؟

■ محمد زعیم‌زاده

۱- در باب نسبت انتخابات و دموکراسی با المان‌های تحقق کارآمدی یک سیستم سیاسی در دنیا می‌توان هم به مثال‌هایی اشاره کرد که مسائل واقعی کشور در جای دیگری پیگیری می‌شود و انتخابات بیشتر یک نمایش و بالماسکه‌طور است برای پایبند نشان دادن مردم به سیستم سیاسی و هم می‌توان نمونه‌های معدودی را دید که در پروسه انتخابات اصل منافع ملی و مسائل کشور و راه‌حل‌های رسیدن به آنها روشن است و رقابت انتخاباتی صرفا بر سر ایده‌های افراد و جریان‌های مختلف سیاسی برای چگونگی رسیدن به آن پاسخ شکل می‌گیرد؛ تازه این در کشورهایی است که دموکراسی یا نیمچه دموکراسی‌ای در آنها وجود دارد. در مدل اول عملا پروسه توسعه و پیشرفت یک پروسه از بالا به پایین و غیرمردمی است که خیلی هم پایدار نمی‌ماند و به نظر می‌رسد هر چقدر پروسه انتخابات و شکل ساخت‌یافتگی سیاسی یک جامعه نزدیک به مدل دوم باشد عملا به عقلانیت نزدیک‌تر است لذا توسعه و پیشرفت جامعه در دسترس‌تر است.

پروسه انتخابات معمولا در کشور ما به این شکل بوده که در آستانه انتخابات همه کاندیداها سعی می‌کنند بای نحو کان در وهله اول به ضرب رسانه و سخنرانی و هر چه در چنته دارند بر موج نارضایتی اجتماعی بیفزایند و سپس حداکثر تلاش خود را بکنند تا بر موج انباشتگی نارضایتی از وضع موجود سوار شوند و در یک پروسه تبلیغاتی سطحی ۲ هفته‌ای و بعضا مبتذل و پوپولیستی راهی پاستور شوند، آنگاه با بی‌برنامگی و سوءمدیریت، انباشتگی سطحی از نارضایتی عمومی را که در ۲ هفته از آن بهره برده بودند در ۴ یا ۸ سال کاملا با دستان با کفایت خود تهنشین و ماندگار کنند.

۲- حالا شاید بتوان جدی‌تر به این سوال فکر کرد که چگونه می‌توان از گذر انتخابات راهی برای پاسخ به مطالبات واقعی و در دسترس مردم یعنی مسائلی از جنس معضلات اقتصاد و مبارزه با فساد پیدا کرد؟ چگونه می‌توان برای عرصه انتخابات تصمیم‌سازی کرد؟ حالا که مسائل و مشکلات شفاف است و درباره آنها اجماع هم وجود دارد پوپولیسم در فضای انتخابات حاکم نشود و در یک پروسه ۲ هفته‌ای کسی نتواند نقش مار بکشد و...

ادامه در صفحه ۵

سوءتفاهم برطرف شد!

■ صادق فرامرزی

دیدگاه

دیالوگ غیرمستقیم اما رسمی رؤسای قوای مجریه و قضائیه را می‌توان در چارچوب یک سوءتفاهم شوک‌برانگیز که با حسن‌ظن ختم به خیر شد بررسی کرد! سوءتفاهم زمانی آغاز شد که رئیس‌جمهور در آیین افتتاح نمایشگاه مطبوعات سخنانی عجیب را به زبان آورد که تعجب نسبت به آنان نه از جانب خود سخن که از جهت گوینده آن بود. روحانی در حالی نمایشگاه مطبوعات را فضایی برای سخن از محکومیت «قلم شکسته و دهان بسته» رسانه‌ها انتخاب کرد که سال پیش اکثریت قریب به اتفاق رسانه‌های منتقد در اعتراض به بی‌عدالتی موجود در برخورد با رسانه‌های حامی و منتقد دولت، از حضور در این محفل سالانه سر باز زدند و شاهد کم‌رونق‌ترین و سردترین اجتماع مطبوعاتی کشور بودیم. واقعیت آن است که اهالی رسانه که طبیعتا باید پذیرای سخنان قشنگ رئیس‌جمهور می‌شدند بعد از حمایت دکتر روحانی از «آزادی مسؤولانه» رسانه‌ها در نقد سازنده بیش از آنکه لبخند رضایت بزنند دچار این سوءتفاهم شدند که آیا این سخنان منسوب به رئیس‌جمهور است یا خیر؟!

هرچه گفتار دولتی‌ها می‌خواست قسم حضرت عباس بر این سخنان بخواند، دم خروس رفتارشان چیز دیگری را نمایان می‌کرد، گو اینکه رفتار پرتبعیض دولت در دادن یارانه رسانه‌ها با معیار و شاخص «میزان حمایت» هر رسانه از دولت که توسط مسؤولان دولتی نیز با صراحت تایید شده بود از حافظه تاریخی مطبوعات منتقدی که نباید قلم‌شان شکسته و دهان‌شان بسته می‌شد پاک شده بود یا اینکه قرار بر آن شده بود در میانه این سوءتفاهم خود دولت هم باور کند که سر کوچه آش می‌دهند تا یادش برود که چه تعداد از صاحبان قلم بابت نقد «حقوقی» توافق هسته‌ای در دولت «حقوقدانان» دادگاهی شده‌اند. رئیس‌جمهور در حالی مطبوعات را از پایاپای نیروهای مسلح تضمین‌کننده امنیت در جامعه دانسته بود که دستورات بالا به پایینی را که با تیغ تهدید «امنیت» حنجره مطبوعات را از بررسی بزرگ‌ترین پرونده فساد اقتصادی در حیطه نفت منع کرده بود، فراموش کرده بود.

در میان این حجم از تناقضات گفتاری و رفتاری دولت یازدهم سوءتفاهم نسبت به اینکه آیا این سخنان از جانب رئیس این دولت به زبان آمده بدیهی‌ترین پیشامد ممکن بود. سوءتفاهمی که البته با سخنان رئیس قوه قضائیه که «برادر بزرگوار! شما خودتان شفاهاً یا کتباً، با واسطه یا بی‌واسطه، بارها گفته‌اید که چرا با فلان روزنامه یا فلان سایت برخورد نمی‌کنید یا نزد مقام معظم رهبری گلایه می‌کنید که چرا دستگاه قضایی با فلان روزنامه برخورد نکرده است اما وقتی بین اهالی مطبوعات و رسانه حضور می‌یابید، ندای آزادی مطبوعات سر می‌دهید و اینکه قلم‌ها را نشکنید و دهان‌ها را نبندید!» برطرف شد تا صحت ظن اهالی رسانه نسبت به سخنان رئیس‌جمهور اثبات شود و خیال همه از بابت تبلیغاتی بودن سخنان رئیس‌جمهور راحت شود و بدانند دولت همان دولت حمله گازانبری به رسانه‌هاست منتها کمی اقتضائات زمانی بحبوحه انتخابات او را مجبور کرده است لب به حمایت از رسانه بگشاید.

شاید بیراه نباشد که علت وقوع این سوءتفاهم «چهل و هشت ساعتی» را که از به زبان آمدن چنین ادعاهایی توسط رئیس‌جمهور آغاز و با جواب رئیس قوه قضائیه به اتمام رسید در منطق ارتباطی دولت جست‌وجو کنیم؛ اساسا مطبوعات ابزاری هستند برای سهولت بیان و آنچه این بیان را حیات می‌بخشد گوینده آن است و حال اگر این گوینده سخن به نقد بگشاید منتقد لقب می‌گیرد، پس بدیهی است بدون به رسمیت شناختن نقد در ساحت منتقد هر ابراز حمایتی که از ابزار نقد صورت بگیرد سخنی باطل است و بی‌معنا، پس اگر چنین سوءتفاهمی نسبت به گوینده این سخنان صورت می‌گیرد پیش از همه از آن رو است که در منطق دولت یازدهم آیا اساسا منتقدی به رسمیت شناخته می‌شود که دولت بخواهد از ابزار نقد او حمایت کند؟ مگر غیر از آن بوده که تیغ حمایت دولت از نقد آنقدر تیز بوده که حتی نقد رسانه‌های حامی و مجری برنامه انتخاباتی خود را نیز با احضاریه و شکایت قضایی جواب داده است؟ چگونه ممکن است منتقدی که هر روز لقب جدیدی به لیست القاب بی‌سواد، بی‌شناسنامه، بزدل، تازه به دوران رسیده، همصدای اسرائیل و... خود اضافه می‌کند، به خیال خود نیز این را راه دهد که دولت حامی «ابزار» نقد او شده است؟ چگونه در قاموس دولتی که نقد فلشی رو به گذشته دارد و نقطه پرگار مدح باید روی زمان حال بیفتد و الا فراتر از انواع توهین باید با قطع یارانه حمایتی و شکایت قضایی آن دهان را بست، می‌توان باور این را داشت که منتقد به چشم مصلح نگریسته می‌شود؟

قطعا سخنان رئیس قوه قضائیه این سوءتفاهم را که دولت رفتارش را موازی گفتارش کرده است برطرف کرد اما آنچه هیچ وقت برطرف نمی‌شود سوءظن دولت به هر نقد و انتقادی است که بخواهد در همین خشت‌های اول خبر از کجی دیواری بدهد که قصد دارد ثریا را فتح‌الفتوح کند.

پشت صحنه با پنبه سر ببریم!

■ امیر استکی

نگاه

روانشناسی شخصیت خلاصه است در مثال کوه یخی که در دریاهای قطب شمال است، کوهی که اگرچه ما بخش کوچکی از آن را روی آب می‌بینیم اما بخش بیشتر آن که در نظرگاه ما نیست، زیر آب است و ما بدان پی نمی‌بریم! چنانچه اگر یک لیوان یخ را در یک کلمن آب بیندازید می‌توانید این نسبت را مشاهده کنید!

ما از افراد جلوه‌هایی در ظاهر می‌بینیم اما آنچه در ذهن آنها و در پس پرده انجام می‌دهند بر ما هویدا نیست. چنانکه درباره رئیس‌جمهور نیز این مثال کاملا صادق است. برای همه تعجب‌آور بود که رئیس‌جمهوری که در همه حال منتقدان را به الفاظ و احکام مختلف نوازش داده بخواهد از آزادی بیان صحبت کند، رئیس‌جمهوری که برای دادگاهی کردن حتی به تیترهای اقتصادی درباره بازار بورس هم رحم نکرده است وقتی در نمایشگاه مطبوعات حرف از آزادی بیان زد و گفت «نباید با بهانه‌های واهی، قلم‌ها را شکسته و دهان‌ها را ببندیم، باید در جامعه با صدای بلند آزادی مسؤولانه را فریاد بزنیم.» برای هیچکس باورپذیر نبود که او با آن همه سابقه امنیتی و با این همه برخورد با رسانه‌ها سخن از آزادی بیان بزند، این حتی با آن بخش مکشوف کوه یخ شخصیتی روحانی نیز در تعارض بود. اما آنچه ۲ روز بعد ریاست محترم قوه‌قضائیه از درخواست‌های دولت و رئیس‌جمهور در خفا و جمع‌های خصوصی برای برخورد حقوقی و کیفری با منتقدان بیان کردند همه آن نیمچه‌تصورات ۴۸ ساعته از رئیس‌جمهور معتقد به آزادی بیان هرچند بدگمانانه را باطل کرد و همان گمان‌های منفی گذشته را تایید کرد؛ اینکه آش همان آش و کاسه همان کاسه است و رویکرد دفع و برچسب زدن به منتقدان و راندن‌شان با چوب شتک و هتک ادامه خواهد داشت.

بی‌سوادانی چون ما که مستحق ته جهنم تشخیص داده شده بودیم و همین تازگی‌ها هم به نفاق متهم، دوباره باید منتظر افاضاتی جدید و حاکی از همان روحیه سرهنگ‌مآبانه امنیتی باشیم. فقط این میان یک جهش در رفتار این امنیتی‌های دولتمرد دیده می‌شود و آن اینکه بیشتر به ضرورت حفظ ظاهر پی برده‌اند و دیگر در علن به جهنم حوالت نمی‌دهند، بلکه در خفا درخواست جهنمی کردن روزگار برای همه غیرخودی‌ها را دارند. این یعنی باید انتظار تاثیرپذیری مثبت از نقد منتقدان را هم به طاق بکوبیم و منتظر هیچ تغییر روند مثبتی در اداره مملکت نباشیم و باز باید مثل سابق روی صحبت‌مان را فقط به سوی ملت متمرکز کنیم، چرا که لبخند این روزهای آقایان لبخند از سر همدلی نیست، بلکه لبخندی از سر نفرت و برای نیفتادن از تک و تاست. یکی ـ دو روزی به این منوال مشغول بودیم اما انگار باید برویم نقطه سرخط.

اینها تثبیت شد اما با این تفاوت که مشخص شد در نیمه پنهان شخصیت رئیس‌جمهور رفتار امنیتی به مراتب بیشتر از این نیمه عیان آن است و فعالیت‌های ضدآزادی بیان وی در پس پرده بسیار سرکوب‌گرانه‌تر از فعالیت‌های جلوی پرده او است. این گزاره مشخص کرد همان چند جمله از آزادی بیان در نمایشگاه مطبوعات نیز از سر صدق نبوده و حتی از جنس ضدیت علنی هم نیست که انسان تکلیفش با او مشخص باشد، بلکه این از آن جنس‌های بد دورویی است که حتی نه‌تنها ما منتقدان باید حساب کارمان دست‌مان باشد، بلکه موافقان هم باید حواس‌شان جمع باشد که رئیس‌جمهور در روبه‌رو و پشت‌سر رفتارهای یکسانی نخواهد داشت و بیشتر از این تلاش روی صحنه، با پنبه سر بریدن پشت صحنه است!

به عرض ملت عزیز ایران باید برسانیم که مساله اساسی مملکت در این روزها مسائل اقتصادی است و همه، کسادی اوضاع کسب‌وکار و نبود رونق و فرصت‌های شغلی را احساس می‌کنیم و با دولتی مواجهیم که در همه این سال‌های مسؤولیتش آنجا که تقصیر را به گردن دولت قبلی نینداخته، در حال گلایه از کمبود اعتبار بوده است مساله‌ای که با بررسی ساده آمارهایی که خود ارائه می‌دهند به‌روشنی با واقعیت فاصله زیادی دارد. به طور میانگین در مقایسه با رقم مطلوب دولت در بودجه، پیش از افت قیمت نفت-۷۰ دلار- هر بشکه نفت حدود ۳۰ دلار در این ۳ سال کاهش قیمت داشته است. با احتساب میانگین ۲ میلیون بشکه صادرات روزانه، عدم‌النفع این کاهش به طور متوسط در هر سال برابر با ۶۷ هزار میلیارد تومان است.

ادامه در صفحه ۵

شماره بعدی وطن‌امروز دوشنبه اول آذر منتشر می‌شود

بازگشت همه به‌سوی اوست
همکار گرامی سرکار خانم سبزی
مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده؛ برای آن مرحومه غفران و آمرزش و برای شما و خانواده محترم صبر و اجر از درگاه حضرت احدیت مسألت داریم
وطن‌امروز